

درخواست معاون ارشاد از شرکت پست



معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از شرکت پست خواست تا به رغم بدهی این وزارت، خدمات پستی به ناشران را متوقف نکند. یاسر احمدوند به ایرنا گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شرکت پست بدهی دارد و هنوز موفق به پرداخت آن نشده است. امیدواریم در روزهای آینده با هماهنگی‌های صورت‌گرفته مشکل حل شود. انتظار داریم که شرکت پست خدماتش برای ناشرها را متوقف نکند، حتما همه تعهداتی که به شرکت پست وجود دارد، پرداخت می‌شود. او با اشاره به سابقه همکاری این وزارتخانه با شرکت پست، ادامه داد: باید توجه داشت خدمات پست فقط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه نمی‌شود، بلکه این خدمات به ناشران و مردم ارائه می‌شود. خوب است که شرکت پست که همیشه در مقاطع مختلف با حوزه کتاب و فرهنگ همراه بوده و تعامل و ارتباط خوبی داشته است این ارتباط را ادامه بدهد. بر پایه این خبر، هزینه ارسال بسته‌های کوچک کتاب در طول چند سال از ۲هزار تومان به ۲۲تا ۲۳هزار تومان رسیده است و اگر شرکت پست با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همکاری نکند، این هزینه به ۲۳هزار تومان خواهد رسید.

شیئی از خانه‌موزه نادر ابراهیمی مفقود نشده است



مدیرعامل منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد پایتخت شایعه مفقود شدن برخی اشیای موزه نادر ابراهیمی را تکذیب کرد. محمدحسین ججازی در نشست خبری و در پاسخ به پرسش تسنیم درباره آخرین وضعیت خانه‌موزه نادر ابراهیمی و برخی شایعات گفت: من مفقود شدن اشیاء را تأیید نمی‌کنم، اشیایی که شایعه شد مفقود شده در حقیقت در نقل و انتقالاتی که داشتیم در آن مقطع استفاده نمی‌شد، اما مفقود نشده بود، ما امانت‌دار خوبی هستیم.او ادامه داد: ما در نظر داریم که برنامه‌هایی را در خانه‌موزه ابراهیمی در زیرمجموعه خانه شعر و ادبیات برگزار کنیم که برخی آثار مرحوم ابراهیمی بیشتر به عموم معرفی شود و همچنین در نظر داریم در آینده نزدیک برخی آثار نادر ابراهیمی اعم از کتاب و فیلم و... را با همکاری خانه شعر و ادبیات به چاپ یا مراحل تولید فیلم و ... برسانیم.

«داریوش مادی» به بازار نشر آمد

کتاب «داریوش مادی» نوشته استیون اندرسون با ترجمه علی اصغر سلحشور به تازگی منتشر شده است. به گزارش مهر، نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۱۴به چاپ رسیده است. داریوش مادی یکی از شخصیت‌های تاریخی است که درباره‌اش حرف و حدیث وجود دارد و گاهی او را با داریوش‌های دیگر تاریخ اشتباه گرفته‌اند.

استیون اندرسون می‌گوید داریوش مادی یکی از شاهان مرموز ایران باستان است و هویش با استناد به مدارک و شواهد چندان معلوم و شفاف نیست. کتابش هم برای شناساندن هویت این‌پادشاه باستانی نوشته شده‌در آن مدارک ونوشته‌هایی ازگرتفون، هرودوت،توسیدید، بروسوس، آیسخولوس، ارسطو،کنزیاس، هارپوکراسیون استفاده شده‌که جزواسناد کلاسیک تاریخ‌پژوهی هستند. اما برای نوشتن این کتاب از اسناد و متن‌های اکدی هم استفاده شده که نمونه‌های بارز آن‌ها عبارت‌اند از استوانه‌گورش، روایت منظوم، رویدادنامه بونیتید، استوانه سیپار نبونئید یا متن رؤیا، استل حران، پیشگویی دودمائی و... کتاب‌های عهدعتیق به‌ویژه‌دانیال از دیگر منابع و مدارکی هستندکه مؤلف برای نوشتن این کتاب از آن‌ها بهره برده است. این کتاب را انتشارات ققنوس در ۲۴۰صفحه منتشر کرده است.

زین‌قنبر

● **ناوبراسته**

بنابراین نباید از این موضوع گذشت.

در نتیجه سفر به زمان دیگری موکول شد.

از این رو هر خبری را نباید پذیرفت.

امروزه همه با این شیوه زندگی می کنند.

● **وبراسته**

بنابر این، نباید از این موضوع گذشت.

در نتیجه، سفر به زمان دیگری موکول شد.

از این رو، هر خبری را نباید پذیرفت.

امروزه، همه با این شیوه زندگی می کنند.

🔴 **نکته**

بعد از گروه های قیدی، نشانه ویرگول «می گذاریم.

#زین_قنبر_فارسی

علیرضا حدیری

در تاریخ ادبیات ایران، شاعران بسیاری بوده‌اند که در قالب «حبسیه» یا «زندان‌نامه» اشعاری سروده‌اند که حبسیات مسعود سعد سلمان با این بیت معروف « نالم ز دل چو نای من اندر حصار نای/ پستی گرفت همت من زین بلند جای» مشهورترین آن‌هاست. در دوران معاصر نیز در حوزه ادبیات داستانی و شعر، نام‌هایی را می‌توان برشمرد که یا به‌طور مستقل یا در لایه‌لای آثارشان به دوران زندان خود اشاره کرده‌اند. نوشتن از زندان و خاطره‌نگاری‌های دوران اسارت، پس از دفاع مقدس، آرام‌آرام شکل دیگری گرفت و دلیل تأخیر در نگارش خاطرات اسارت اردوگاه‌نویسی نسبت به خاطرات جنگ نیز طبیعی بود و باید زمانی از آزادی آزادگان می‌گذشت. به هر حال، خاطره نویسی به یکی از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات جنگ تبدیل شده‌است، به گونه‌ای که بخش مهمی از ادبیات دفاع مقدس، معطوف به آثاری است که به‌موضوع آزادگان و خاطرات آن‌ها می‌پردازد؛ چه در قالب رمان و داستان، چه خاطره‌نگاری. برخی از این آثار به قلم خود آزادگان نوشته شده و اصطلاحاً «خودنگاشت» است و برخی کار مشترک راوی (که صدای خاطره‌گویش اش ضمیم می‌شود) ونویسنده که «دیگرنگاشت» به شمار می‌آید و ممکن است نتیجه همکاری راوی و تدوینگر هم باشد. «اسارت» پدیده شناخته‌شده‌ای در ادبیات و سیمای جنگ جهان است و آثار ارزشمند بسیاری درباره آن نوشته یا ساخته شده است. این اتفاق در ایران پس از نخستین ورود آزادگان به کشور در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ شکل گرفت. پیش از آن، معدود خاطراتی را، مانند «نفر پانزدهم» نوشته جهانگیر خسروشاهی، سراغ داریم که البته داستانی است مایه گرفته از خاطرات زندانیان گرفتار در زندان‌های کومله‌ها.

- تقریظ رهبر معظم انقلاب به برخی از خاطره‌نگاری‌ها

اهمیت این آثار در حوزه ادبیات دفاع مقدس چنان است که رهبر انقلاب هم گاه به برخی از آن‌ها تقریظ نوشته و بر لزوم تداوم نگارش این آثار و دقت در آن تأکید کرده‌اند. از جمله در میان آثار مربوط به اسارت به «پای که جاماند» نمره ویژه می‌دهند و در تقریظی می‌نویسند: «تاکنون هیچ کتابی نخوانده و هیچ سخنی نشنیده‌ام و عظمت روحی جوانمردان ما را در چنگال نامردمان یعنی عراق، آن چنان که در این کتاب است به تصویر کشیده باشد. این یک روایت استثنایی از حوادث تکان‌دهنده‌ای است که از سویی صبر و پایداری و عظمت روحی جوانمردان ما را، و از سویی دیگر پستی و خباثت و قساوت نظامیان و گماشتگان صدام را، جزء به جزء و کلمه به کلمه در برابر چشم و دل خواننده می‌گذارد.» البته جذابیت «بیست‌وسه نفر» هم از نگاه ایشان دور نمانده است: «در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته شیوا و جذاب و هنرمندانه، شیرین‌کام شدم و لحظه‌ها را با این مردان کم‌سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده خوش‌ذوق و به آن بیست‌وسه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه این زیبایی‌ها، پرداخته سرپنجه معجزه گر اوست درود می‌فرستم و جبهه‌سپاس بر خاک می‌سایم. یک بار دیگر کرمان را از درپچه این کتاب، آن چنان که از دیرباز دیده و شناخته‌ام، دیدم و منشور هفت رنگ زیبا و درخشان آن را تحسین کردم.»

- کارنامه‌ای پرپیارش

درباره اسارت، کتاب‌های خاطره بسیاری چاپ شده‌است و اتفاقاً کارنامه پرباری در این حوزه داریم و هر سال هم به فهرست

به روایت آزادگی

نگاهی به کارنامه پرپار خاطره‌نویسی دوران اسارت در ایران بعد از انقلاب اسلامی



در اسارت و در جبهه‌های جنگ بیشتر یادآور ارزش‌های اخلاقی و دینی، سادگی و روانی است تا جایی که متن را به زبان محاوره نزدیک کرده‌است، (کاغذ و قلم ممنوع: بررسی سبک و محتوای خاطرات دفاع مقدس (آثار نویسنده دفاع مقدس سعید عائف)، سیده زهرا عبدالله پور، انتشارات فرهنگ ما نا). معصومه رامهرمزی، از نویسندگان دفاع مقدس نیز در نشستی تخصصی درباره ادبیات اسارت به همین نکته اشاره دارد و می‌گوید: «ادبیات اسارت ادبیاتی است که زبان گفتاری دارد که باید محکم‌وروان باشد و خواننده وقتی می‌خواند این را بداند که جز صداقت مطرح نشده است. از این رو، اصالت را در محتوا ببینیم نه در ساختار نوشتاری. در ادبیات اسارت غمی وجود دارد. در کتاب‌هایی که سعی کردند جذاب‌تر بنویسند ما این اندوه عمیق را داریم.» (خبرگزاری تسنیم، ۱۷ مرداد ۱۴۰۲). نویسندگان مقاله «کارکرد القایی واژگان در کتاب «آن بیست و سه نفر»» نیز از این نکته غفلت نکرده‌اند: «اهمیت این کتاب در پرداختن به وقایع تاریخی و شکنجه‌های نوجوانان در زندان‌های عراق، با زبان کودکانه و بی‌آلایش و عبارات محاوره‌ای و لهجه محلی است...» (ناصرقلی سارلی، بهادر باقری، طاهره ایشانی، سهیلا علیین، نشریه «ادبیات پایداری»، دوره ۱۰، شماره ۱۹، اسفند ۱۳۹۷، صفحه ۱۳۱-۱۵۶).

شاید بتوان ویژگی دیگر ادبیات اسارت را در نکته‌ای دانست که مسلم مظفری در مقاله «مرز نویسی ادبی در مکاتبات آزادگان دفاع مقدس» به آن اشاره می‌کند: «مکاتبات آزادگان دفاع مقدس در واقع جزئی از ادبیات

این آثار افزوده می‌شود و همین موضوع باعث شده است برخی معتقد باشند نباید خاطره‌نویسی جای نوشتن داستان را بگیرد. کتاب‌های ۹۰۰ روز در جهنم، زمان ایستاده بود، صدای شکستن استخوان، عکس دسته جمعی، چند وجب جالی خالی، جز زیبایی ندیدم، من پانزده‌ساله بودم، آزاد در بند، ساعت یخی، پری، کمپ، ۹، سلول‌های انفرادی، بوی عنبر، همراهان قاطع، عشق پایدار، از مشهد تا کاخ صدام، روزهای بی‌آینه، خستگی ناپذیر، جهنم تکریت، زندگی در مه برخی از این آثار هستند.

نکته جالب توجه اینکه پدیدآورندگان برخی از کتاب‌های خاطره دوران اسارت، زنان هستند؛ چه به‌عنوان نویسنده چه در جایگاه راوی. همانند کتاب‌های «زمان ایستاده بود» و «گل کاشتی عباس» که هر دو به قلم فرزانه قلعه‌قوند به نگارش درآمده‌است. همچنین «چشم‌سوم» نوشته «نرگس آیار» که داستان سیزده نوجوان اهل کردستان است که با هم به جبهه می‌روند و در اولین عملیات، شش نفر از آن‌ها مفقود الاثر و شش نفر اسیر می‌شوند. کتاب موفق «من زنده‌ام» از معصومه‌آباد را نیز نباید از یاد برد که در آن بخشی از خاطرات نانوشته چهار بانوی اسیر ایرانی به نگارش درآمده است.

«من زنده‌ام» یکی از کتاب‌های مهم تاریخ دفاع مقدس است و رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تقریظی نگاشته‌اند. ایشان در تقریظ خود می‌نویسند: «این نیز از نوشته‌هایی است که ترجمه‌اش لازم است. به چهار بانوی قهرمان این کتاب به ویژه نویسنده و راوی هنرمند آن سلام می‌فرستم. «آن بیست و سه نفر» از دیگر آثار مشهور در حوزه ادبیات اسارت و آزادگی است و نگارش آن برپایه دست‌نوشته‌های احمد یوسف‌زاده و مصاحبه با افراد گروه بیست‌وسه نفره‌ای است که در کتاب ماجرای اسارتشان به دست بعضی‌ها نقل می‌شود. نثر کتاب ساده و قابل درک است و از این اثر قلیمی هم ساخته‌اند که با استقبال تماشاگران روبه‌رو شد. اگر می‌خواهید گذرا از حال و هوای دوران اسارت‌ها و ادبیات زندان، داستان‌هایی بخوانید، به سراغ «تابستان ۱۳۶۹» بروید که شامل چهل خاطره از لحظه اسارت رزمنده‌های ایرانی به قلم مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری، است. سرهنگی لحظات اسارت این چهل اسیر زن و مرد

را پس از خواندن ۳۶۰ کتاب خاطره و در طی سه سال جمع‌آوری و دوباره نویسی کرده است.

- خاطره‌نگاری و تاریخ

چون خاطره‌نگاری بخشی از اسناد تاریخی را شکل می‌دهد، «واقعیت‌نگاری» شرط اساسی در آن است. هدایت...، بهیودی از نویسندگان دفاع مقدس معتقد است اگر خاطره یکی از مواد اولیه تاریخ باشد، «باید افرادی که کنش‌هایشان فزاینده‌ای داشته را تشکیل می‌دهند، شناسنامه‌دار باشند، جغرافیا و رخدادها بسترهای معلومی داشته باشد. زمان و تاریخ اتفاقات نیز باید معلوم باشد.» این نویسنده در عین حال با تأکید بر اینکه توقع ادبی از یک خاطره، ذاتی این گونه ادبی نیست معتقد است: «درست‌است که خاطره را زیرمجموعه ادبیات می‌دانیم، اما وجود لوازم و عناصر ادبی در خاطره امری قطعی و حتمی نیست؛ یعنی توقع ما از خاطره چیزی است و از ادبیات داستانی چیز دیگر. هر چند ساخت مشترکی دارند. بنابراین، رایش خاطره باید با هدف خاطره بما هو خاطره باشد، نه یک متن ادبی» (روزنامه ادبیات داستانی روزنامه خراسان، بهمن ۹۴، به دبیری علیرضا حدیری).

چون این متون در بستری از ادبیات ارائه می‌شود، نمی‌تواند به الزامات نوشتن بی‌اعتنا باشد، به‌ویژه سبک نوشتاری آن باید در جذب مخاطب عام اثرگذار باشد. به همین علت است که غلغیدن به سمت زبان گفتاری در این آثار فصل مشترک آن‌هاست. سیده زهرا عبدالله پور در پژوهشی می‌نویسد: «واژگان و عبارات استفاده‌شده

اسارتگاهی و گونه‌ای از ادبیات پایداری و مقاومت محسوب می‌شوند. در ایران، ادبیات مقاومت همواره در کنار قیام‌های ظلم‌ستیز از کاوه‌انگتر گرفته تا تاریخ معاصر در لایه‌لای صفحات تاریخ پدیدآمده است. این گونه ادبیات از سال ۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیشتر در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق نمود بیشتری پیدا کرد و ادبیات اسارتگاهی نیز به تبع آن از زمان زندان‌های رژیم پهلوی و بعد از آن در اسارتگاه‌های عراق به وجود آمد که قسمت اعظم ادبیات اسارتگاهی را مکاتبات آزادگان دفاع مقدس و خانواده‌هایشان از طریق نامه‌ها به وجود آورده‌اند که گاهی این مکاتبات به دلایل متعدد از جمله سانسور و خیانت به زبان رمزی بیان شده‌اند. نویسندگان این نوع نام‌ها برای بیان موضوع‌هایی از قبیل: سیاست، ذکر نام مسئولان، درد هجران، انتقال اخبار خانواده‌گی و اسرار جنگی، عزاداری ائمه اطهار^(ع) و ذکر نام بسیج و سپاه و جوه ادبی از قبیل: ضرب‌المثل، تشبیه، استعاره، ایهام و جناس قلب کل تمسک جسته‌اند تا در این میان، به راحتی مطالب را به طرف مقابل انتقال دهند. در عین حال که دشمن متوجه مطالب انتقالی آنان نگردد و از آزار و اذیت احتمالی رژیم‌بعث و منافقین در امان ماندند که این‌ها همه، نشانه‌ای از کاربردی بودن ادبیات و زبان ادبی است و این برخلاف تصور بعضی از آنان است که ادبیات را فقط

در تاذذ معنی می‌کنند.» (نشریه ادبیات پایداری، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱). وقتی از ادبیات پایداری و اسارت حرف می‌زنیم، نمی‌توانیم از «نامه‌ها» درگذریم. نامه‌ها هم به‌طور مستقل جای بررسی و اعتنا دارد و هم به عنوان بخشی از پایه‌ها و مایه‌های خاطرات. توجه به شیوه نامه‌نگاری اسیران از نظر ساختار و سبک و زبان حائز اهمیت است. نویسندگان مقاله «بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی در نامه‌های آزادگان جنگ تحمیلی»، پس از بررسی نزدیک به شش هزار نامه از آزادگان، ویژگی‌های ساختاری و معنایی آن‌ها را به روش تحلیل محتوایی، طبقه‌بندی و تحلیل کرده‌اند. این نوع نامه‌ها در تقسیم‌بندی‌هایی با عناوین سرلوحه‌دار و بی‌سرلوحه و الگوی (کلیشه‌ای) و منحصر به فرد جای گرفته است. در یک نگاه کلی باید گفت که در ادب فارسی، نامه‌های اسیران، ادامه‌دهنده سنت ترشلات خوانی در ادبیات است. با وجود این، چنین نامه‌هایی از نظر ساختار و زبان و محتوا و نوع کارکرد، تمایزاتی با دیگر نامه‌های اخوانی دارد (علی محمد روانستان، احمد امیری خراسانی، محمدصادق بصیری. نشریه ادبیات پایداری، سال یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲۰).

در پایان، یک کتاب خوب با عنوان «برسمند خاطره (نگاهی تازه به خاطره‌نویسی)» نوشته محمدرضا ابروانی را معرفی می‌کنم که علاوه بر بررسی خاطره‌نویسی در ادبیات و تاریخچه خاطره‌نگاری در ایران، این آثار را در سه سطح زبانی و ادبی و فکری نقد و بررسی و آسیب‌شناسی می‌کند.



یک پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی:

نگاه فردوسی و سعدی به مرگ، برای انسان امروز هم مفید است

سعدی ابراز کرده‌اند شاید کسی به زنده‌دلی و بردباری و واقع‌گرایی وی نتوان یافت. سعدی به تمام ابعاد زندگی و علاقه‌مند بود و در حکایات و اشعار خود معمولاً هر دو جنبه زندگی و مرگ را چون دوری سکه با هم می‌دید. نه مرگ ستایی مولانا را داشت و نه بدبینی خیام را؛ افکار و اندیشه‌های او هر انسانی را به اعتدال فکری، خردگرایی، نوپردازی، نوآوری، بردباری دینی و فلسفی فرامی‌خواند.

این نویسنده و استاد زبان و ادبیات فارسی توضیح داد: سعدی می‌دانست که زندگی ناپایدار است و بنیادش بر باد اما راه غلبه بر این ناپایداری را در این می‌دید که انسان بکوشد تا در این سرای و در درازای عمر چندروزه نام نیک و آثار ارزنده از خویش باقی‌گذارد و اگر از دستش برآید چون نخل کریم و بخشنده باشد و به خود و به دیگران بهره‌رساند و اگر نه دست کم چون سو باشد.

او همچنین با بیان اینکه فردوسی را نیز می‌توان پیش از سعدی در ردیف شاعرانی دانست که مرگ را روند طبیعی عالم و از امور مسلم و ضروری آفرینش می‌دانند، گفت: به عقیده فردوسی باید با شکوه و جلال مرد تا نام نیک ابدی به دست آورد.

می‌آورند، اما نه یکسره زندگی را فدای مرگ می‌کنند و نه مرگ را فدای زندگی و برای رهایی از مرگ به آفرینش و تولید و هنر روی می‌آورند. از دید آن‌ها هر انسانی که آفریده می‌شود، عضوی از جامعه است و پاره‌ای از هستی و او می‌تواند ضمن باور و پذیرش مرگ و اعتقاد به روز بازپسین از راه احساس وحدت با کل جهان و هستی و جامعه انسانی، نیروهای ذاتی خود را بارور کند و به پرورش و استفاده از نیروهای فردی خویش روی آورد. او با بیان اینکه اندیشه امثال سعدی انسان را فراتر از مرگ فردی قرار می‌دهد و به جامعه پیوند می‌زند، افزود: این گروه برای چیرگی بر مرگ و اندیشه نیستی به نیروهای سازنده درونی و زندگی پناه می‌آورند و نگاهی خلاقانه یا آفرینش‌گرایانه به هستی دارند.

این پژوهشگر ادبی با اشاره به رگه‌هایی از این بینش که در میان شاعران اولیه زبان فارسی از جمله اشعار رودکی سمرقندی و فرخی سیستانی و نظامی می‌توان دید، اظهار کرد: در قرن چهارم، فردوسی را باید مروج بزرگ چنین اندیشه‌ای دانست. با این حال نماینده واقعی چنین اندیشه‌ای سعدی شیرازی، شاعر قرن هفتم هجری است.

او تأکید کرد: با همه عقاید ضد و نقیضی که درباره

و کوشیده‌اند با این کار از هول و هراس مرگ بکهند که خیام را باید پیشرو این دسته به حساب آورد. سوم گروهی که واقع‌گرایانه به آن نگریده و مرگ و زندگی را دو روی یک سکه دیده و کوشیده‌اند ضمن بهره‌بردن از نعمات این جهان و خدمت به جامعه انسانی، توشه و زادراه زندگی دو جهان را در دوره زندگانی خویش فراهم کنند. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد با بیان اینکه سعدی بزرگ‌ترین نماینده دسته سوم به حساب می‌آید، توضیح داد: دو گروه نخست با جامعه و زندگی انسان‌ها پیوند چندانی ندارند اما گروه سوم در اجتماع هستند و در کنار مردم زندگی می‌کنند، آن‌ها کار و تلاش می‌کنند و در غم و شادی همگان شریکند. دیدگاه سوم تهدیدپذیرانه‌ای است که می‌تواند برای انسان‌های امروز هم مفید باشد تا آن‌ها با تلاش و کوشش توشه این جهانی را فراهم آورند و زمینه توسعه و پیشرفت جامعه را هموار کنند و همراه با زندگی این جهان زادراه آن جهان را اندوخته و همرا ببرند.

فلاح گفت: در نگاه امثال سعدی مرگ به عنوان یک واقعیت زندگی و پدیده‌های متافیزیکی تصویر می‌شود، اما بهره‌مندی از زندگی این جهانی را فرونمی‌گذارد. این دسته مرگ را جزئی از واقعیت زندگی به حساب

مرگ بزرگ‌ترین رویداد زندگی هر انسان است و در ادبیات مکتوب دینی و غیردینی ایران قبل و بعد از اسلام بیشترین جست‌وجوها و دل‌مشغولی‌های نویسندگان و شاعران و عالمان در این خلاصه‌می‌شود که راهی برای فرار از مرگ یا چیرگی بر هول و هراس ناشی از آن نیابند. در این باره، مرتضی فلاح، استاد و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، در گفت‌وگو با ایبنا به تشریح نوع نگاه شاعران کهن فارسی به مسئله مرگ پرداخت و اظهار کرد: اگر از ادبیات باستانی ایران و نخستین اسطوره‌ها و حماسه‌های آن دوران بگذریم، در آثار ادبی منثور و منظوم فارسی بعد از اسلام که نخستین آثارش از میانه قرن سوم به جای مانده، جابه‌جاشده چنین دغدغه تاریخی‌ای هستیم. او تأکید کرد: با کمی اغماض، تلاش‌های شاعران و نویسندگان ایران بعد از اسلام برای غلبه بر مرگ یا کاهش دغدغه‌های ناشی از آن را می‌توان در سه دسته اندیشه محدود دانست. نخست کسانی که آن را ستوده‌اند که مولانا بزرگ‌ترین نماینده این گروه به شمار می‌آید. دوم دسته‌ای که با نفرت و کراهت به مرگ نگریده‌ست و برای غلبه بر آن به خوش‌باشی و اغتمام فرصت روی آورده